

## انهدام فرهنگی

در سال های جنگ جهانی اول، ارمنیان ساکن در مناطق تحت نظارت دولت ترکیه عثمانی قربانی مقاصد پان ترکیستی شدند و در سرزمین آبا و اجدادی خود مورد قتل عام قرار گرفتند اما جلادان عثمانی به این نسل کشی بسنده نکردند و دست به غارت اموال آنان و نابودی بیش از بیست هزار کتاب دست نویس زدند. ما قصد بررسی ابعاد کشتار ارمنیان در ۱۹۱۵ میلادی به دست دولت ترکیه عثمانی و بازخوانی وقایع آن سال ها را نداریم بلکه به دنبال بررسی اتفاقات پس از آن سال های خونین و تلاش های خستگی ناپذیر انسانی هستیم که برای نجات آثار فرهنگی به جا مانده از ارمنیان تمام توان خود را به کار بست. این آثار فرهنگی چیزی جز بناهای مذهبی و غیر مذهبی نبودند، بناهایی که تنها شاهدان باقی مانده از فرهنگ و تمدن چندین هزار ساله ملتی کهن در منطقه شرق ترکیه محسوب می شدند.

پس از نابودی ساکنان مناطق ارمنی نشین شرق آسیای صغیر، کند و کاو خانه های متروکه آنان به قصد یافتن ثروت های باقی مانده از آنها آغاز شد زیرا ترک ها بر این باور بودند که ارمنیان به امید بازگشت به خانه هایشان تمامی اموال قیمتی خود را در خانه ها پنهان می کنند اما این جست و جو برای یافتن گنج به خانه های ارمنیان محدود نشد و پس از غارت خانه ها نوبت به کند و کاو کلیساها، دیرها و به طور کلی تمامی بناهایی رسید که از ارمنیان به جا مانده بود. هرچند این کند و کاوها خرابی هایی بسیار به بار آورد اما تا آن زمان تخریب این آثار به قصد نابودی آنها صورت نمی گرفت.

پس از سقوط جمهوری ارمنستان در ۱۹۲۰ و عقد پیمان قارص بین اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه مناطقی جدید از ارمنستان جدا و به ترکیه ملحق شد. در این مناطق تعداد زیادی کلیسا و دیر وجود داشت که هنوز سالم و فعال باقی مانده بودند. همچنین شماری از پایتخت های باستانی ارمنستان شامل آبی، قارص، شیراکاوان، باگاران و ایروانداشات نیز در این مناطق قرار داشتند.

با آغاز جنگ جهانی دوم و شکست اولیه قوای شوروی این نگرانی در بین دولتمردان ترکیه به وجود آمد که در صورت فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای قفقاز، ارمنستان خواستار بازگرداندن سرزمین های از دست رفته خود شود. لذا به این نتیجه رسیدند که باید تمامی آثاری را که بیانگر وجود ارمنیان در این سرزمین های غصب شده بود نابود سازند تا اثبات حقانیت آنان بر این سرزمین ها ممکن نباشد. برای این منظور و با هدف محو آثار باقیمانده از ارمنیان در کلیه مناطق شرقی ترکیه، به خصوص، در مناطق مرزی مشترک با ارمنستان تخریب برنامه ریزی شده کلیساها، دیرها، قلعه ها و دیگر آثار به جای مانده از سوی دولت ترکیه آغاز شد.

با پایان جنگ و آغاز مذاکرات صلح کار تخریب این بناها شدت بیشتری یافت زیرا شوروی در مذاکرات لایبزیک با هدف تصحیح اشتباه خود در ۱۹۲۰ خواستار بازگرداندن مناطق شرقی ترکیه شامل قارص، سورمالو، ساریقامیش، آرداهان و اولتی و الحاق آنها به ارمنستان شوروی شده بود اما این درخواست با دخالت دولت انگلیس و وارد شدن ترکیه به پیمان ناتو در ۱۹۵۲ میلادی و شروع جنگ سرد به فراموشی سپرده شد. با وجود این دولت ترکیه از ترس اینکه مبادا روزی مجبور به بازگرداندن کلیه مناطق شرقی این کشور به ارمنیان شود همچنان به محو آثار به جای مانده از آنان ادامه می دهد.

در ۱۹۶۵ ارمنیان ساکن در ارمنستان شوروی، با هدف جلوگیری از نابودی میراث فرهنگی خود، به دفتر یونسکو در مسکو شکایت کردند. این شکایت پذیرفته نشد و نماینده یونسکو خواستار طرح شکایت از طرف دولت ارمنستان شد اما حاکمان وقت مسکو به دلایل سیاسی مانع از طرح این مسئله شدند لذا ارمنیان ساکن در کشورهای مختلف، به خصوص کشورهای اروپایی، شروع به پیگیری این موضوع کردند و به این ترتیب، مراجعات مکرر آنان به دفتر یونسکو در سراسر دنیا آغاز شد.

نتیجه اولیه این پیگیری ها جلب توجه محققان و باستانشناسان اروپایی به این منطقه و آغاز مسافرت های تحقیقاتی به شرق ترکیه بود. این محققان در زمانی کوتاه مطالبی فراوان در خصوص تخریب بناهای به جا مانده از ارمنیان به همراه گزارشاتی از واکنش های مسئولان منطقه و ممانعت آنان از بازدیدهای محققان در جراید اروپا به چاپ رساندند که باعث افزایش فشار افکار عمومی بر سازمان یونسکو و نهایتاً صدور بیانیه ای در ۱۹۷۴ از سوی این سازمان بر مبنای مطالعات آنان در این منطقه شد. در این

بیانیه آمده است که از ۲۲۰۰ بنای تاریخی بجا مانده از ارمنیان، در اوایل قرن بیستم میلادی، فقط ۲۵۲ بنا به صورت نیمه ویران و ۱۹۷ بنا نیز در وضعیت نامساعد باقی مانده. این گزارش ابعاد وسیع نابودی آثار ارمنیان را نشان می داد اما از آنجا که جنبه اجرایی نداشت نتوانست از ادامه کار ترکیه جلوگیری کند.

شعله ور شدن آتش درگیری ها با کردهای منطقه از دهه ۱۹۸۰ میلادی سبب شد تا دولت ترکیه با استفاده از این موقعیت و با اعلام وضعیت نظامی در کلیه استان های شرقی ترکیه از مسافرت محققان جلوگیری به عمل آورد. در این شرایط چنانچه محققى به این مناطق سفر می کرد به اتهام جاسوسی دست گیر می شد و پس از ضبط اموالش و چندین روز زندانی شدن غالباً پس از ضرب و شتم و با تعهد به عدم بازگشت به آن منطقه وی را آزاد می ساختند. از جمله این محققان که در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با قبول تمامی مشکلات و تن دادن به خطرات سفر به تحقیق در خصوص آثار فرهنگی ارمنیان در منطقه همت گماشت شادروان دکتر آرمن هاخنازاریان بود.

او، که آثار به جای مانده از ارمنیان مناطق شرقی ترکیه را همچون فرزندان یتیم ملتی نابود شده می پنداشت، برای نجات آنها از هیچ تلاشی فروگزاری نکرد و نه تنها مال بلکه تمامی عمر خود را وقف این کار کرد. در تمام سال های فعالیتش مشکلات سفر، بازداشت و زندانی شدن، ضرب و شتم ژاندارم های ترکیه و حتی ممنوع الورد شدن به کشور ترکیه نتوانست وی را از رسیدن به اهدافش باز دارد.

شادروان دکتر هاخنازاریان در ۵ مه ۱۹۴۱ میلادی در تهران متولد شد. والدینش از بازماندگان قتل عام ارمنیان منطقه نخجوان بودند که در ۱۹۱۸ میلادی به ایران پناه آورده بودند. پدرش، هوانس، با تحصیلات دکترا در دانشگاه های تهران تدریس می کرد و مادرش، آروسپاک، نیز به تدریس موسیقی در دانشگاه اشتغال داشت. پدر آرمن در سال های پایانی عمر خود، کلیه خاطراتش را از سرزمین آبا و اجدادی اش در نخجوان به رشته تحریر در آورد و آرمن سال ها بعد آن را به صورت کتابی به نام *گوغتان* به چاپ رساند. این کتاب منبعی با ارزش در خصوص ارمنیان منطقه نخجوان است.

دکتر هاخنازاریان تحصیلات متوسطه خود را در مدرسه ارامنه **کوشش داوتیان** تهران در ۱۹۵۹ به پایان رساند. دو سال بعد برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی معماری در دانشگاه آخن به آلمان رفت و در سال ۱۹۶۸ برای اخذ مدرک دکترا از این دانشگاه ادامه تحصیل داده و بالاخره در سال ۱۹۷۳ میلادی فارغ التحصیل شد.

او که از همان سال های تحصیل در دانشگاه آخن از هر فرصتی برای بازگشت ایران و مطالعه بر روی کلیساها و دیرهای ارمنیان ایران از جمله قره کلیسا، استپانوس مقدس، دزور دزور، کلیساهای جلفای اصفهان و بسیاری کلیساهای دیگر استفاده می کرد، پایان نامه دکترای خود را بر اساس مطالعاتش بر روی قره کلیسا نوشت.

دکتر هاخنازاریان سفرهای تحقیقاتی خود را به منطقه شرقی ترکیه از همان سال های تحصیل آغاز کرد. نخستین سفر او در ۱۹۷۰ میلادی اتفاق افتاد. او در این خصوص می گوید: «در مورد تخریب بناهای اجدادم از محققان اروپایی مطالبی شنیده بودم اما هیچ گاه آن را در این ابعاد بزرگ تصور نمی کردم. آنچه را که دیدم مرا شوکه کرد». گویا همین نخستین سفر او به مناطق شرقی ترکیه سرنوشت وی را تا پایان عمر مشخص ساخت و پس از مهیا کردن مقدمات اولین سفر با منابع شخصی، که دو سال به طول انجامید، مسافرت های تحقیقاتی خود را از ۱۹۷۲ آغاز کرد.

به غیر از مسائلی که طی مسافرت با آن رو به رو بود، همچون عدم امنیت جانی، مشکل اصلی تهیه بودجه کافی برای هزینه های سنگین گروه های تحقیقاتی بود که تمامی آن را از منابع شخصی تأمین می کرد و اگر شکیبایی همسرش، مارگاریت، نبود، که او هم فارغ التحصیل رشته مهندسی از دانشگاه آخن بود، شاید در همان سال های آغازین فعالیتش مجبور به ترک آن می شد. نتایج حاصل از نخستین کارهای تحقیقاتی او توجه پروفیسور وازگن بارسقیان را، که خود نیز همچون دکتر هاخنازاریان از خانواده ای نجات یافته از قتل عام بود، جلب کرد به طوری که پس از آشنایی با فعالیت های آرمن جوان هزینه های شش سفر تحقیقاتی او را متقبل شد. همچنین هزینه های میکروفیلم کردن بیش از ۳۵۰۰۰ عکس تهیه شده در سال های ۱۹۷۲ - ۱۹۷۸ را پرداخت کرد که سرمایه ای بزرگ برای ادامه کار دکتر هاخنازاریان شد.

در بین این تصاویر، عکس بناهایی وجود دارد که اکنون اثری از آنها باقی نمانده. دکتر هاخنازاریان همواره با ناراحتی این مطلب را اذعان می کرد که ای کاش زودتر این کار را شروع می کردم زیرا به یقین آثار بسیاری بوده که اکنون هیچ عکسی از آنها وجود ندارد و حالا دیگر بسیار دیر شده و با سرعتی که دولت ترکیه در نابودی آثار ارمنیان به خرج می دهد برای هر گونه تعللی بهایی سنگین باید پرداخت.

او که می خواست با مطالب و عکس هایی که از منطقه تهیه می کرد ابعاد انهدام فرهنگی یک ملت را به گوش جهانیان برساند در ۱۹۸۳ میلادی مؤسسه مطالعات معماری ارمنیان (RAA) را در شهر آخن تأسیس کرد و به کار خود عملاً رسمیت داد. دکتر هاخنازاریان به منزله مهندس معمار به فعالیت هایی غیر از سفرهای تحقیقاتی نیز دست زده و در سال های ۱۹۷۴ - ۱۹۸۲ میلادی در بازسازی بناهای تاریخی ارمنیان در ایران، به خصوص، در بازسازی کلیساهای حوزه رود ارس با دولت ایران همکاری طولانی داشته. او در سال های فعالیتش در منطقه آذربایجان ایران کلیه بناهای ارمنیان مناطق خوی، سلماس، ماکو و ارومیه را مورد مطالعه قرار داد و شماری از تحقیقات خود را برای درج در کتاب های معماری ای که در ونیز چاپ می شد در اختیار مؤسسه ذی ربط گذاشت. این مطالب بعدها از سوی سازمان میراث فرهنگی به زبان فارسی ترجمه شد. وی در سال های پایانی عمرش قصد انتشار کتابی وزین در خصوص تحقیقاتش در منطقه ماکو داشت که بسیار مورد علاقه وی بود اما این وظیفه به بازماندگانش محول شد.

از دیگر فعالیت های او در ایران مرمت سه کلیسای تهران در سال های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۵ است. در همین زمان از وی برای تدریس در دانشگاه آخن دعوت به عمل آمد و او بلافاصله با خاتمه کار خود در تهران عازم آلمان شد و تا ۱۹۹۴ در آن دانشگاه به کار تدریس ادامه داد.

دکتر هاخنازاریان به منظور گسترش فعالیت های خود در ۱۹۹۶ میلادی اقدام به تأسیس شعبه مؤسسه خود در امریکا، با مسئولیت شاهن هاروطونیان، کرد. او پس از استقلال جمهوری ارمنستان کوشید تا دامنه های فعالیت خود را در آنجا نیز گسترش دهد اما با مشکلاتی مواجه شد. در همین حین از وی برای بازسازی دو کلیسای قدیمی در شهر کسب سوریه دعوت به عمل آمد. پس از پایان کار در سوریه مجدداً پیگیری تأسیس شعبه ای در شهر ایروان را از سر گرفت و سرانجام موفق شد در ۱۹۹۸ دفتر ایروان را تأسیس کند.

در خاطرات دوست و همکار او، سامول کاراپتیان آمده که وقتی برای نخستین بار با دکتر هاخنازاریان آشنا شد هر دو دریافتند که بدون آشنایی با یکدیگر به یک نوع فعالیت اما در مناطقی کاملاً جدای از یکدیگر دست زده اند. سامول کاراپتیان فعالیت خود را در مناطق جمهوری های آذربایجان و گرجستان متمرکز کرده بود و دکتر هاخنازاریان در خاک ترکیه. گویی آنها مکمل یکدیگر شدند و این سرآغاز دوستی و همکاری ای تنگاتنگ شد و از آنجایی که دکتر هاخنازاریان دیگر اجازه ورود به خاک ترکیه را نداشت این کار مهم بر عهده یار همیشه وفادارش، سامول کاراپتیان، گذاشته شد که تا به امروز نیز ادامه دارد.

برای دسترسی علاقه مندان به آثار معماری ارمنیان از همان سال نخست شروع فعالیت های تحقیقاتی دفتر ایروان کلیه مطالب با قلم سامول کاراپتیان به صورت کتاب منتشر شد که تاکنون یازده جلد از این سلسله مطالب به چاپ رسیده و چاپ شش جلد دیگر نیز در دست اقدام است. چاپ این کتاب ها، که هزینه سنگینی برای مؤسسه داشته، سبب شده تا گوشه ای از ابعاد انهدام فرهنگی میراث انسانی در مناطق شرقی ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان به گوش جهانیان برسد.

چندی پس از تأسیس این مؤسسه فعالیت های آن مورد توجه فرهنگستان علوم ارمنستان قرار گرفت لذا در سال ۲۰۰۰ م، به دستور پروفیسور لئون هاخوردیان، مکانی در فرهنگستان به دکتر هاخنازاریان اختصاص داده شد. این مکان جدید که امکانات کافی جهت متمرکز نمودن کلیه مطالعات، نگاتیوها، عکس ها، نقشه ها و غیره را داشت با فراهم آوردن شرایط دعوت به کار افراد متخصص سبب گسترش فعالیت های مؤسسه شد.

طی این سال ها، همچون روال گذشته، مسئولیت تأمین هزینه های دفاتر مؤسسه بر عهده دکتر هاخنازاریان بود چنان که گاهی برای مزاح می گفت: « همسرم خرجی خانواده را می دهد و من هزینه های گروه های تحقیقاتی را تقبل می کنم». ادامه

فعالیت های گروه های تحقیقاتی به حدی برای وی مهم بود که در سال های پایانی برای تأمین هزینه ها اقدام به فروش وسایل به یادگار مانده و خانه پدری در تهران کرد.

او هم زمان با فعالیت های تحقیقاتی، مرمت و تدریس به مدت ۲۵ سال عضو هیئت مدیره سازمانی به نام **یرگیر و مشاکویت** بود که به بازسازی بناهای تاریخی ارمنیان اشتغال داشت و در سال های پس از استقلال ارمنستان، در بازسازی چندین دیر و کلیسای مهم ارمنستان شرکت داشت.

دکتر هاخنازاریان از ابتدای آغاز به کار گروه های تحقیقاتی در ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۵ م توانست امکان فعالیت ۱۵۷ گروه تحقیقاتی را به شرح زیر فراهم آورد:

مناطق شرقی ترکیه	۶۱ گروه
منطقه سیلیسیه ترکیه	۷ گروه
منطقه قره باغ	۴۱ گروه
منطقه گرجستان	۲۵ گروه
منطقه آذربایجان	۱۱ گروه
ایران	۱۲ گروه

او در بایگانی مؤسسه خود به غیر از انبوه کتاب ها و مطالب جمع آوری شده، نقشه ها و پلان ها توانسته است بیش از ۲۲۰۰۰۰ عکس از بناهای تاریخی ارمنیان، در سطحی به گستردگی سیصد هزار کیلومتر مربع، تهیه کند. در سال های اخیر، با شروع به کار پایگاه اینترنتی جدیدی سعی شده تا کلیه این مطالب به صورت مرحله به مرحله در اختیار علاقه مندان به تاریخ و معماری ارمنیان گذاشته شود.

او در تمام سال های فعالیت خود با درج مطالب به روز در روزنامه های اروپایی و انتشار خبرنامه و حتی ساخت فیلم های مستند کوشید تا با جلب اذهان عمومی از نابودی کامل بناهای در حال تخریب جلوگیری کند. همچنین برای آشنایی دولتمردان و عموم مردم در شانزده کشور اروپایی نمایشگاه هایی ترتیب داد و در یکی از شبکه های تلویزیونی ارمنستان به اجرای برنامه هفتگی پرداخت. حتی در سال های اخیر اقدام به برگزاری نمایشگاه های عکس و جلسات سخنرانی سامول کاراپتیان در مراکز مختلف علمی در ارمنستان کرد تا با ارائه مطالب به روز هرچه بیشتر عموم مردم را از آنچه بر میراث فرهنگی ارمنیان می گذرد آگاه سازد. فعالیت های افرادی چون دکتر هاخنازاریان اذهان عمومی را از این واقعیت مطلع ساخت که دولت ترکیه از زمان نابودی فیزیکی ارمنیان ساکن در مناطق تحت نظارتش نه تنها به کار خود خاتمه نداده بلکه تا به امروز با نابودی آثار به جای مانده از آنان سیاست های سال ۱۹۱۵ میلادی را پی می گیرد. البته، طرح عضویت ترکیه در جامعه اروپایی مانع از آن شده که همچون سابق دست به منفجر ساختن و نابودی یکباره بناهای به جای مانده زند لذا از روش های جدیدی استفاده می کند همچون فروش زمین هایی که در آنها بنای تاریخی وجود دارد به قیمت بسیار نازل که باعث تخریب بنا از سوی خریدار جهت احداث بنای جدید می شود یا شایع کردن این موضوع بین روستاییان منطقه که ارمنیان در پی کلیساهای خود گنج پنهان کرده اند یا اینکه هر گونه نوشته ای به زبان ارمنی یا تصویر صلیبی بر دیوارهای کلیسا نشانه وجود گنجی پنهان در زیر آن است. این گونه شایعات سبب تخریب گسترده این بناها می شوند و سرانجام به بهانه مرمت بناهای تاریخی می توانند کلیه آثار ارمنیان را از بنا حذف و پس از مرمت بنا آن را به منزله یک اثر به جای مانده از سلجوقیان، گرجی ها یا اقوام آسیای میانه معرفی کنند.

متأسفانه عدم برخورد صحیح جوامع بین المللی با عملکردهای دولت ترکیه سبب شده است تا این گونه سیاست ها الگویی برای دولت های آذربایجان و گرجستان شود. در این روزها شاهد نابودی گسترده آثار تاریخی ارمنیان در این دو کشور هستیم به گونه ای که گاهی فعالیت افرادی چون دکتر هاخنازاریان را به علت وسعت عملکرد غیر ممکن می سازد.

در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۹، شادروان دکتر آرمن هاخنازاریان از طرف کتابخانه ملی جمهوری ارمنستان به دریافت نشان علمی **هاکوپ مغابارد** نایل شد که، البته به علت بیماری نتوانست در مراسم حضور یابد. او که گویی از ادامه کار بس عظیمی که عمر

خود را وقف آن نموده بود نگران بوده طی مکالمه ای تلفنی از دوست و همکار هم فکرش، سامول کاراپتیان، خواست تا پس از وی راهش را ادامه دهد و در هیچ زمانی نخستین حامی این کار بزرگ، پروفیسور بارسقیان، را فراموش نکند.

دکتر هاخنازاریان چند روز پس از این مکالمه، که گویی آخرین وصیتش بود، در ۱۹ فوریه ۲۰۰۹ میلادی به علت بیماری در شهر آخن به درود حیات گفت. شادروان دکتر آرمن هاخنازاریان میراثی بزرگ و وظیفه ای بس سنگین برای آنانی گذارد که دنباله روی راه او برای نجات میراث فرهنگی نه فقط ارمنیان که میراث فرهنگی انسانی اند.